



طلایه:

یادداشت علمی و تحقیقی دکتر غروی - که عمری را وقف اسلام شناسی کرده‌اند و خاندانش همه عالمان دین بودند - می‌توانست پایه‌ای باشد برای گفتگو درباره‌ی درد کهن شیعه و سنی و حل اختلافات مسلمانان که از قضا هر روز شکل و روند تازه‌ای پیدا می‌کند.

کلیدواژه‌ها: دکتر غروی - غدیر - مقاله - حکومت - امام علی (ع) - فرزانه بذریور

إِيَّهَا النَّاسُ إِنَّا قَدْ أَصْبَحْنَا فِي دَهْرٍ عُنُودٍ وَ زَمَنٍ كُنُودٍ يُعَدُّ فِيهِ الْمُحْسِنُ مُسِيئًا وَ يَزْدَادُ الظَّالِمُ فِيهِ عُنُورًا. لَا نَنْتَفِعُ بِمَا عَلِمْنَا وَ لَا نَسْأَلُ عَمَّا جَهِلْنَا وَ لَا نَتَخَوَّفُ فَارِعَةَ حَتَّى تَحُلَّ بِنَا.

ای مردم! ما در روزگاری بسر می‌بریم ستیزنده و ستمکار، و زمانه‌ای ناسپاس، که نیکوکار در آن بدکردار بشمار آید و جفاپیشه در آن سرکشی افزایش. از آنچه دانستیم سود نمی‌بریم و آنچه را نمی‌دانیم نمی‌پرسیم و از بلایی، تا بر سرمان نیامده، نمی‌ترسیم. (نهج‌البلاغه، خطبه ۳۲)

یکسال از انتشار مقاله‌ی دکتر علی اصغر غروی در روزنامه بهار و به مناسبت عید غدیر گذشت. یادداشتی که در شرایط معمول می‌توانست باب گفتگویی تاریخی بگشاید و نگرش تازه‌ای به تاریخ اسلام و شیعه باشد.

یادداشت علمی و تحقیقی دکتر غروی - که عمری را وقف اسلام شناسی کرده‌اند و خاندانش همه عالمان دین بودند - می‌توانست پایه‌ای باشد برای گفتگو درباره‌ی درد کهن شیعه و سنی و حل اختلافات مسلمانان که از قضا هر روز شکل و روند تازه‌ای پیدا می‌کند. اما این گونه نشد و از قضا روحانیان که خود می‌بایست پای پیش می‌گذاشتند و تفسیری عقلانی از امامت و خلافت و حکومت در شیعه عرضه می‌کردند، سنگ در راه انداختند و مؤمن با وقاری مانند دکتر غروی را که نان دین نمی‌خورد و غم دینداری دارد به انواع و اقسام تهمت‌ها سنگ باران کردند. بنابر رسمی که در جمهوری اسلامی مرسوم است به متهم اجازه‌ی دفاع نیز داده نشد و دستگاه قضای نظام اسلامی به سرعت و راحتی و بی‌تعللی دست به کار شد و در قدم اول روزنامه‌ی بهار را توقیف و کارکنانش را از کار، بیکار کرد و سپس گویی که با جرمی مشهود و مجرمی خطرناک روبروست، دکتر غروی را به جرم عالم بودن به تاریخ اسلام و حدیث و تخصص در نهج‌البلاغه بازداشت کرد و برای پیری ۷۰ ساله و بیمار زندان تجویز کرد و حالا در آستانه عید غدیر دکتر غروی یکماهی است که در اوین به سر می‌برد.

اما مگر غروی چه گفته بود. مقاله‌ی پیشوای سیاسی یا الگوی ایمانی که باعث چنین غوغایی در دستگاه روحانیان و قضا شد، مدعای روشنی داشت که با استناد به متن نهج‌البلاغه و سیره‌ی امام علی بیان شده بود. غروی در آن مقاله کوشیده بود تا نشان دهد خلافت و حکومت سیاسی از لحاظ علی بن ابی طالب، امری دنیوی است و با تعیین و نصب محقق نمی‌شود و شرط تحقق‌اش خواست و رأی مردم است و



مقام امامت و الگویی ایمانی بودن امام در گرو حاکم بودن و قدرت داشتن نیست. دکتر غروی نوشت که چه بسا امام علی در دوره‌ی خلفای راشدین سعی و تلاشی برای رسیدن به خلافت اسلامی نکرد و اگر حضور چشمگیر مردم و خواست ایشان پس از قتل عثمان نبود، امام علی همچنان بر کرانه‌ی قدرت می‌رفت.

دکتر غروی پس از فریادهای و اسلام‌اهالی قدرت و توقیف روزنامه بهار از باور خود عقب نشست و در چندصباحی که پس از انتشار این مقاله فرصت یافت در مقالاتی که در جرس انتشار یافت گفته‌اش را بسط داد و به ابهامات پاسخ گفت. با نگاهی به مقالات بعدی می‌توان این نکته اساسی را دریافت که دکتر غروی، مقام دنیوی خلافت را از صفات ذاتی امام نمی‌دانست و همین موضوع بود که حکومت را بی تاب کرد و منجر به دادگاهی شدن این عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران شد.

به نظر می‌رسد تعریف جمهوری اسلامی و روحانیان حکومتی از «امام»، کسی است که تمام همت‌اش رسیدن به قدرت است و حتی هدف بعثت انبیا نیز بنا بر قولی از آیت اله خمینی چیزی جز بر پایی حکومت نیست. در این دینداری معطوف به قدرت، «امام» بایستی سعی وافر کند که به حکومت برسد و آنگاه که قدرت به دست آورد، تمام سعی امام و یارانش از دست ندادن قدرت است.

امروز بیش از هزارسال است که از غیبت دوازدهمین امام شیعیان می‌گذرد و بنابر عقیده‌ی شیعه معصومیت و مصونیت از گناه و خطا خاص امامان شیعه است. با این حساب نظریات دکتر غروی تنها تفسیری از رخدادهای تاریخی به شمار می‌آید. اما تعصب حاکمیت و حمله‌ای که به روزنامه‌ی بهار و دکتر غروی کردند نشان می‌دهد که چنین بحثی تبعات سیاسی امروزین خواهد داشت.

نظریه‌ی ولایت فقیه و نیابت فقیهان در دوران غیبت هر چند باب معصومیت را می‌بندد اما دست فقها را می‌گشاید که قدرت و حکومتی که امام علی، سهم و میراث خویش نمی‌دانست - بنابر نظر دکتر غروی - حق بدیهی خود بدانند.

نظریه‌ی ولایت فقیه که مبنا را بر «امام معصوم حاکم» می‌گذارد ولی فقیه را عرضه می‌کند اما از آنجا که فقیه معصوم نیست راه برای استبداد دینی گشوده می‌شود.

آیت الله خمینی معتقد بود حفظ حکومت اوجب واجبات است و بنابراین پاسداری از قدرت فقیهان را در کنار واجباتی چون روزه و نماز می‌گذاشت و شاید هم بالاتر چرا که ید مبسوطه‌ی فقیه حتی می‌تواند احکام اولیه را بنا بر مقتضیات و مصلحت حکومت تعطیل کند.

یکسال پیش دکتر غروی به بحث تئوریک دربارہ‌ی فلسفه‌ی سیاسی اسلام پرداخت و اشارتی تاریخی کرد که اسلام یا هر دینی برای بر پایی حکومت نیامده است و دین برای سازندگی انسان و رشد اخلاقی اوست تا آزادانه و به انتخاب در حکومت مشارکت کند و حاکم نه ولی امر که نهایتاً و کالتی برای رتق و فتق امور مردم دارد و بس.

پرداختن به بحثی که دکتر غروی باب آن گشود این روزها اهمیتش بیشتر هم آشکار شده است وقتی میبینیم سیاه پوشان داعش با همین تلقی از پیامبر اسلام و یکسان گرفتن خلافت عباسی و سیره نبوی، پای در راه جنایت و خونریزی گذاشته‌اند و به خیال به دست گرفتن قدرت مقدس و اجرای احکام اسلام از هر وسیله‌ای برای رسیدن به حکومت رو گردان نیستند.

امیدواریم که دکتر غروی این ستم از سر بگذراند و به سلامت از اوین آزاد شود و دولتمردان نیز به جای کتمان زندانیان عقیدتی و سیاسی گامی برای رفع حصر این ناصحان مشفق بردارند.